

پزشکیان در دهلی‌نو با تأکید بر نقش آفرینی ایران در بریکس: تقویت چندجانبه‌گرایی

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، دیروز در رأس هیئتی بلندپایه وارد دهلی‌نو شد تا در اجلاس سران بریکس شرکت کند. او در نشست اصلی سران، همایش اقتصادی و جلسه غیرعلنی با موضوع «حاکمیت جهانی فراگیر و تقویت چندجانبه‌گرایی» سخنرانی می‌کند و در حاشیه اجلاس با نخست‌وزیر هند، نخست‌وزیر مالزی، رئیس‌جمهوری آفریقای جنوبی و شماری دیگر از سران و مقامات دیدار خواهد کرد. به گزارش «شرق»، رئیس‌جمهوری در همایش اقتصادی سران عضو بریکس که در دهلی‌نو برگزار شد، با تأکید بر اینکه «قدرت بریکس زمانی آشکارتر می‌شود که از همکاری بالقوه به همکاری عملیاتی حرکت کند»، تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران با ذخایر عظیم انرژی و موقعیت جغرافیایی ممتاز، آمادگی دارد نقش شریک راهبردی در زنجیره‌های تأمین انرژی، غذا و حمل‌ونقل بریکس را ایفا کند. پزشکیان با اشاره به اینکه «امنیت غذایی و انرژی دو ستون اساسی امنیت اقتصادی هستند»، افزود: ایران می‌تواند یکی از حلقه‌های مهم اتصال اقتصادی بریکس باشد و با معتمدیم بریکس زمانی به نیروی واقعی در اقتصاد جهانی تبدیل می‌شود که همکاری ما در قرارداده‌ها، کارخانه‌ها، بنادر و زندگی اقتصادی مردم کشورهای عضو دیده شود. رئیس‌جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تحریم‌های گسترده علیه ایران گفت: این فشارها طی یک سال گذشته بعد از تجاوز آمریکا و اسرائیل وارد مرحله جدیدی شده است. به گفته او: «این تجاوز، در کنار خسارات انسانی و مادی آن، یک واقعیت مهم را بار دیگر آشکار کرد: امنیت اقتصادی از امنیت ملی و امنیت منطقه‌ای جدا نیست». پزشکیان هشدار داد: هرگاه تجارت، انرژی، زیرساخت یا نظام مالی یک کشور تحت فشار سیاسی یا نظامی قرار گیرد، آثار آن از مرزهای آن کشور فراتر خواهد رفت و ثبات منطقه‌ای و حتی اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. او تأکید کرد: بریکس باید با ایجاد ظرفیت‌های تاب‌آور برای اقتصادهای اعضای خود و جنوب جهانی، فضای ایجاد کند که در آن هیچ کشوری نتواند با انحصار یک ابزار مالی یا فناوری، تجارت مشروع کشور دیگر را مختل کند. رئیس‌جمهوری برای افزایش تجارت درون بریکس، حرکت از «همکاری پراکنده» به «یکپارچگی تدریجی زیرساخت‌های تجاری» را ضروری دانست و چند اقدام را برشمرد: دیجیتالی‌سازی و یکپارچه‌سازی فرایندهای گمرکی و تسهیل تجارت، کاهش موانع مقرراتی و اداری، توسعه بازارهای فرامرزی و تسهیل سرمایه‌گذاری مشترک بخش خصوصی. او همچنین پیشنهاد کرد همکاری در استانداردسازی تقویت شود تا بریکس از «بازار مبادله مواد خام» به «شبکه‌ای از زنجیره‌های ارزش و تولید صنعتی مشترک» تبدیل شود. پزشکیان توسعه استفاده از ارزهای ملی در تجارت میان اعضا را یکی از مهم‌ترین گام‌ها خواند و گفت این گام باید همراه با ایجاد ابزارهای لازم برای مدیریت ریسک ارزی و تسویه متقابل باشد، زیرا «نظام مالی کنونی به دلیل تمرکز بر چند ارز محدود، در برابر شوک‌های سیاسی آسیب‌پذیر است». رئیس‌جمهوری خواستار تبدیل بانک توسعه جدید به «موتور تأمین مالی زیرساخت و انرژی کشورهای عضو» شد و گفت این بانک باید از طریق خطوط اعتباری ویژه، تأمین مالی با ارزهای محلی و ابزارهای تضمین برای جذب سرمایه خصوصی عمل کند. او همچنین پیشنهاد مشخص ایران را ایجاد یک شرکت بیمه اتکالی مشترک بریکس با سرمایه اولیه ۱۰ میلیارد دلار اعلام کرد تا ریسک پروژه‌های بزرگ زیرساختی و انرژی پوشش داده شود و اعتماد بخش خصوصی افزایش یابد. پزشکیان با اشاره به «تحولی بنیادین در اقتصاد جهانی با ورود هوش مصنوعی» گفت: بریکس نباید صرفاً مصرف‌کننده فناوری باشد، بلکه باید در تولید دانش و شکل‌دهی استانداردهای اقتصاد دیجیتال نیز نقش داشته باشد و در کنار آن، امنیت سایبری زیرساخت‌های حیاتی را تقویت کند. رئیس‌جمهوری در پایان سخنان خود خواستار تبدیل شورای تجاری بریکس از «مجمعی برای گفت‌وگو» به «موتور اجرایی همکاری اقتصادی» شد و گفت کارگروه‌های تخصصی آن باید با شاخص‌های مشخص مانند میزان رشد تجارت درون بریکس، سهم ارزهای ملی در تجارت و حجم سرمایه خصوصی واردشده، پروژه‌های مشخص و قابل سنجش تعریف کنند. پزشکیان تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران آماده است در کنار همه اعضای بریکس، برای ساختن اقتصادی بازتر، تاب‌آورتر و عادلانه‌تر تلاش کند.

ادعای فاینشالتایمز درباره دیدار آتی عراقچی با وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس مذاکره با اعراب به‌جای آمریکا؟

روزنامه فاینشالتایمز در گزارشی مدعی شد سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران هفته آتی در عمان در نشستتی با همتایان خود در شورای همکاری خلیج فارس شرکت خواهد کرد که بر توافقی برای تردد از تنگه هرمز و لغو محاصره فراقانونی آمریکا بر بنادر ایران متمرکز است. به گزارش ایسنا، منابع آگاه مدعی شدند وزرای خارجه کشورهای خلیج فارس قصد دارند با سیدعباس عراقچی، همتای ایرانی خود طی روزهای آتی دیدار کنند؛ اقدامی که گفته‌اند با پیگیری عمان و ایران برای جلب همراهی با توافقی که به‌طور موقت مدیریت کشتیرانی در تنگه هرمز را سامان‌دهی می‌کند، انجام می‌شود. روزنامه فاینشالتایمز با انتشار این مطلب در گزارشی مدعی شد: این نشست که به ابتکار عمان برگزار خواهد شد، نخستین دیدار میان وزیران خارجه عضو شورای همکاری خلیج فارس و یک مقام ارشد ایرانی از زمان آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران در فوریه خواهد بود. با وجود اینکه تهران به طور رسمی برگزاری چنین نشستتی را رد یا تأیید نکرده است، دو منبع آگاه مدعی شدند این نشست قرار است روز دوشنبه در شهر ساحلی صلاله عمان برگزار شود. یکی از این افراد گفت جزئیات نهایی نشده است اما شماری از کشورها حضور خود را تأیید کرده‌اند و انتظار می‌رود جلسه برگزار شود. ایران و عمان به عنوان دو کشور ساحلی تنگه هرمز، پیش‌تر از نهایی‌سازی توافقی موقت برای تعیین مسیر رفت‌وبرگشتی از این آبراه خبر داده بودند که بر اساس آن، کشتی‌ها از طریق آب‌های ایران وارد تنگه و عمدتاً از طریق قلمرو عمان خارج می‌شوند. با این حال، مقامات ایرانی تأکید کرده‌اند این توافق به معنای بازگشایی تنگه نیست و بازگشایی کامل این آبراه مستلزم پایان جنگ و تهدید آن و برآورده‌شدن خواسته‌های مشروع ایران است که با بازگشت واشینگتن به تعهداتش در یادداشت تفاهم اسلام‌آباد و ازسرگیری مذاکرات امکان آن فراهم می‌شود. رسانه انگلیسی در ادامه نوشت: اگر این نشست برگزار شود، بر احساس فوریت در منطقه درباره نیاز به تلاش برای بازگشایی تنگه هرمز و کاهش تنش‌ها میان آمریکا و ایران تأکید خواهد کرد که همچنان بر سر این شریان حیاتی دریایی درگیر هستند. فاینشالتایمز برگزاری این نشست را نشان‌دهنده تمایل کشورهای حاشیه خلیج فارس به کاهش تنش با تهران و ادعایی به این واقعیت توصیف کرد که اگر منطقه بخواهد به هرگونه شرایط ثبات بازگردد، آنها باید روابط خود را مدیریت کنند. پایگاه‌ها و منافع آمریکا در کشورهای حاشیه خلیج فارس در عملیات وعده صادق ۴ و در پاسخ به حملات متجاوزانه آمریکا هدف حملات موشکی و پهپادی قرار گرفتند. کشتی‌های مرتبط با این کشورها نیز از سوی ایران از عبور از تنگه هرمز منع شدند. یکی از منابع آگاه، ادعایی را درباره هدف این نشست مطرح کرد و به این روزنامه انگلیسی گفت: «برای ایران و عمان، هدف جلب همراهی شورای همکاری خلیج فارس و تلاش برای استفاده از آن برای وادارکردن آمریکا به لغو محاصره بنادر ایران است». به نوشته این رسانه، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز از سوی دیگر می‌خواهند تضمین کنند «هرآنچه توافقی می‌شود، موقتی باشد و آنها بتوانند کشتی‌ها را وارد و خارج کنند».

عبدالرحمن فتح‌اللهی، چهارشنبه هفته گذشته، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قطع‌نامه‌ای ضدایرانی، پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع داد؛ این تصمیم در شرایط عادی نیز می‌توانست نقطه عطفی در پرونده هسته‌ای کشور باشد. اما اکنون در متن شرایطی رخ می‌دهد که ایران تجربه جنگ ۱۲روزه و سپس جنگ ۴۰روزه را پشت سر گذاشته و همچنان در وضعیت پرتنش و جنگی قرار دارد. هم‌زمان، دولت ترامپ نیز درکنار تداوم فشارهای امنیتی و نظامی، از مجموعه‌ای از اهرم‌های اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک، تحریمی و امنیتی استفاده می‌کند و حتی فشار بر مسیرهای دریایی و محاصره اقتصادی را نیز در دستور کار قرار داده است. از این منظر، شاید برخی ناظران معتقد باشند پرونده هسته‌ای ایران بار دیگر به فضای دوران احمدی‌نژاد بازگشت؛ اما شرایط امروز، به‌مراتب خطرتر و پیچیده‌تر است. آن زمان، تهدید جنگ عمدتاً در سطح احتمال و فشار بود؛ امروز تجربه جنگ به واقعیتی عینی تبدیل شده است. اکنون ایران باید میان تداوم ابهام هسته‌ای، افزایش همکاری در چارچوب NPT و بازتعریف‌دکترین بازدارندگی انتخاب کند؛ انتخابی که هر مسیر آن می‌تواند پیامدهای عمیق امنیتی، اقتصادی و سیاسی داشته باشد. پرسش اصلی این است که آیا تداوم فشارهای چندلایه، در نهایت ایران را به عقب‌نشینی وادار خواهد کرد یا برعکس، زمینه تغییر بنیادین در محاسبات و دکترین امنیتی کشور را فراهم می‌کند؟ پاسخ به این سؤال و مجموعه‌ای از پرسش‌های مرتبط با آن، محور گفت‌وگوی ما با احد رضایان فیه‌باشی، استاد آینده‌پژوهی دانشگاه تهران است که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

●●●

❧ با توجه به تحولات اخیر و طرح مجدد پرونده ایران در شورای حکام و ارجاع آن به شورای امنیت، برخی معتقدند اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که ایران باید در سیاست خود نسبت به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) بازنگری اساسی کند و حتی موضوع خروج از این پیمان را در دستور کار قرار دهد. ارزیابی شما از این دیدگاه چیست؟

به نظر من این بازی جدیدی که شوروی حکام را انداخته، باید در یک معادله بزرگ‌تر دیده شود.

❧ و آن معادله بزرگ‌تر چیست؟

از زمانی که ترامپ برای بار دوم انتخاب شد و به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا کارش را شروع کرد، تقریباً قابل پیش‌بینی بود که برنامه ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران دارد. ترامپ در ابتدا با سه سناریو جلو آمد. دولت ترامپ در آغاز دوره دوم ریاست‌جمهوری خود گفت ایران را باید مانند ژاپن پس از جنگ جهانی دوم رفتار کند، یعنی باید جنگی علیه ایران آغاز کنیم، جمهوری اسلامی ایران را به مرحله فروپاشی ببریم و رفتار آن را به‌طور کامل تغییر دهیم، یا اگر رفتار خود را تغییر ندهد، به سمت کره شمالی شدن و انزواي کامل پیش برود و از معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای حذف شود؛ یا به سمت ویتنام‌شدن برود و وارد یک جنگ طولانی‌مدت شود که به مرور، برخلاف تجربه ویتنام، باعث فروپاشی شود.

❧ با جنگ‌های ۱۲ و ۴۰روزه و شرایط بعد از آن، به نظر نمی‌رسد الان ایران هیچ‌کدام از سناریوهای ژاپن، ویتنام و کره شمالی برای آمریکا باشد؟

ما‌های این روی کار آمدن ترامپ، پیامی‌های از کاخ سفید به ایران برای مذاکرات و توافق مدنظر ترامپ داده شد که تهران آنها را نپذیرفت و ما با جنگ‌های ۱۲ و ۴۰روزه و شرایط بعد از آن به‌تدریج از سه سناریوی مذکور (ژاپن، ویتنام و کره شمالی) عبور کردیم و وارد سناریوی جنگی شدیم که ایران را متفاوت از ژاپن، ویتنام و کره شمالی می‌کند.

❧ این ایران جنگی متفاوت از ژاپن، ویتنام و کره شمالی اکنون چه اقتضائاتی دارد؟

ما الان در سناریوی جنگ هستیم. در این سناریوی جنگ نیز چهار سناریو وجود دارد که ایران و آمریکا دانما بین این سناریوها در حال چرخش هستند؛ سناریوی اول، توافق محدود و شکننده است. بر اساس این سناریو، با توجه به شروع جنگ و فشارهای که به ایران وارد می‌شود، ایران با سمت یک توافق می‌رود؛ اما این توافق، با توجه به اتفاقاتی که افتاده و افرادی که تئور شده‌اند و مسائل دیگر، به دلایل داخلی و بین‌المللی شکننده خواهد بود. در کنار سناریوی توافق محدود و شکننده، سناریوی محاصره دریایی گسترده را داریم- محاصره‌ای که تقریباً ورود و خروج هرگونه کالا به ایران را تحریم می‌کند و اجازه نمی‌دهد این روند ادامه یابد.کند. در کنار سناریوی محاصره دریایی گسترده، سناریوی تحریم‌های گسترده بین‌المللی را داریم و در همین وضعیت، سناریوی چهارم نیز جنگ کنترل‌شده و محدود است.

❧ با این سناریوهایی که تبیین کردید، ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت در این فضا چه معنایی دارد؟

اتفاق من همه این سناریوها را مطرح کردم تا به اینجا برسم که اگر از این زویه به مسئله نگاه کنیم، بازگشت پرونده ایران، یا در واقع طرح مجدد پرونده هسته‌ای ایران پس از چند ماه و رای شورای حکام برای ارجاع پرونده به شورای امنیت، در شرایط کنونی به نظر می‌رسد سه معنا داشته باشد. معنای نخست به نظر من این است که اقدامات ترامپ بسیار جلوتر از قواعد حقوق بین‌الملل بوده و اکنون با این اقدام، در واقع درصدد جبران آن عقب‌ماندگی حقوقی در قبال رفتارهای خود هستند؛ اینکه بار دیگر در محافل بین‌المللی، شورای حکام ایران را محکوم کند و احتمالاً شورای امنیت نیز به ایران تذکر دهد و طرفین را به خویشتن‌داری دعوت کند، موجب می‌شود مسئله ایران همچنان در دستور کار بین‌المللی باقی بماند؛ تا جایی که در نهایت، با ووتی چین و روسیه، هرگونه اقدام نظامی علیه ایران شاید متوقف شود. با این حال، از منظر افکار عمومی و جامعه بین‌المللی، این تصور شکل می‌گیرد که ترامپ با آمریکا این اقدامات را کاملاً بدون توجه به قواعد و سازوکارهای بین‌المللی انجام نداده‌اند و برای آن نوعی چارچوب حقوقی نیز وجود داشته است. معنای دوم و اینکه چرا در این مقطع پرونده ارجاع شده، ممکن است همان چیزی باشد که مطرح می‌شود؛ اینکه ترامپ می‌خواهد از طریق ارجاع پرونده از شورای حکام به شورای امنیت، نوعی تأیید، اعتراف یا مجوز بین‌المللی به دست آورد تا بتواند دامنه اقدامات



نظامی خود را گسترش دهد.

❧ اما پارامتر تعیین‌کننده، قدرت بین‌الملل است، نه حقوق بین‌الملل. اگر این اصل را بپذیریم، اساساً ترامپ نیاز به تأیید و مجوز بین‌المللی دارد؟

نکته شما هم درست است و هم درست نیست. در حالی که آمریکا در شرایط کنونی عملاً نیازی به چنین مجوزی ندارد، اکنون هر اقدامی را که بخواهد انجام می‌دهد و هیچ‌یک از نهادهای بین‌المللی نیز اعتراض جدی و بازدارنده‌ای نسبت به آن ندارند.

یعنی اگر آمریکا همین امروز تصمیم بگیرد جنگ گسترده‌ای را آغاز کند، چن جز مورد محدود از اعتراضات، اتفاق خاصی رخ نخواهد داد. با این حال، به نظر می‌رسد آمریکا احتمالاً برای یک سال آینده به این سازوکار حقوقی نیاز دارد تا بتواند دامنه تنش‌ها را گسترش دهد و اقدامات خود علیه اهدافی مانند کوه کلنگ، تأسیسات نظنز و سایر نقاط را دنبال کند.

❧ مورد سومی که می‌خواستید بگویید چه بود؟

معنای سوم ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت این است که شاید بیش از هر چیز باید به فضای روانی و اثرات آن توجه کرد؛ اینکه چرا در این مقطع پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع شده است. این موضوع به همان فضای روانی بازمی‌گردد. آمریکا در هر چهار سناریو به دنبال فروپاشی جمهوری اسلامی ایران است؛ چه در قالب یک توافق محدود و شکننده، چه در قالب محاصره دریایی، چه از طریق تحریم‌های گسترده و چه در قالب یک جنگ محدود و کنترل‌شده. در تمام این سناریوها، هدف نهایی، فروپاشی جمهوری اسلامی ایران است. به نظر می‌رسد این فروپاشی قرار است از طریق ترکیبی از فشارهای بیرونی و سازوکارهای داخلی اتفاق بیفتد. یعنی مدلی از فروپاشی جمهوری اسلامی ایران که این جمع‌بندی در برخی محافل و اندیشکده‌ها درباره آن وجود دارد. مبتنی بر این است که فشار از بیرون وارد شود و در نهایت، جفت‌وبست‌های سیستم در داخل به نقطه بحران برسند و از هم گسته شود. این، به نظر من، یک جگ روانی بسیار گسترده ایجاد می‌کند. اینکه پرونده ایران در شورای امنیت مطرح شود، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دانما فشار وارد کند، شورای امنیت به‌طور مستمر تشکیل جلسه دهد، مردم منظر برگزاری این جلسات باشند و دانما این نگرانی وجود داشته باشد که نکتد یک اختلاف بین‌المللی علیه ایران شکل بگیرد و پس از آن چه اتفاقی رخ خواهد داد، در واقع نوعی پیش‌نکری و ایجاد نگرانی نسبت به آینده است؛ نوعی «آینده‌درمانی» که می‌تواند فضای روانی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد.

❧ آینده‌درمانی چیست؟

آینده‌درمانی این است که آمریکایی‌ها از طریق تصویر بدی که از آینده ایجاد می‌کنند، فشار بر سازوکارهای داخلی را افزایش می‌دهند؛ فشار بر اقتصاد، سیاست و اجتماع را زیاد می‌کنند و اختلافات داخلی را افزایش می‌دهند. این اتفاق می‌تواند از طریق تحریم، محاصره دریایی و نظام تحریم‌ها صورت بگیرد. نظام تحریم‌ها الان فعال است. محاصره دریایی تقریباً فعال است، جنگ وجود دارد و از طرف دیگر در داخل نیز یک‌سری اقدامات در حال انجام است. بنابراین این چهار عامل در کنار یکدیگر می‌توانند سیستم را به سمت فروپاشی ببرند. پس مورد دومی که قبل‌تر گفتیم، اینکه چرا پرونده به شورای حکام رفته، به همان جو روانی برمی‌گردد.

❧ با وجود طرح همه این نکات، هنوز پاسخ روشنی به پرسش نخست من ندادید که با توجه به تحولات اخیر، طرح مجدد پرونده هسته‌ای ایران در شورای حکام و ارجاع آن به شورای امنیت، برخی بر این باورند که ایران اکنون به نقطه‌ای رسیده است که باید در سیاست خود نسبت به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) بازنگری اساسی کند و حتی موضوع خروج از این پیمان را در دستور کار قرار دهد. ارزیابی شما از این دیدگاه چیست؟ آیا شرایط کنونی می‌تواند ایران را به سمت بازنگری در تعهدات خود ذیل NPT یا حتی خروج از این پیمان سوق دهد؟

پاسخ به پرسش شما مستلزم آن بود که ابتدا تمام این نکات و سناریوی بزرگ‌تری را که عرض کردم روشن کنیم تا بتوان با دقت و در چارچوبی جامع‌تر به پرسش شما ورود کرد. حالا می‌رسیم به این پرسشی که آیا در شرایط کنونی، خروج ایران از NPT می‌تواند سازوکار مناسبی باشد یا خیر. به نظر من در اینجا دو رویکرد متفاوت وجود دارد. رویکرد نخست ناظر بر قرائت تئدروهای داخلی است که گفته می‌شود فشار تا کجا باید ادامه پیدا کند؟ دیگر چه چیزی باقی مانده است؟ چه اقدام خصمانه دیگری مانده که آمریکایی‌ها و بسیاری از شرکای نظامی و اقتصادی آنها علیه ما انجام نداده باشند؟ بنابراین، اگر در چنین شرایطی از NPT خارج شویم، می‌توانیم این پیام را منتقل کنیم که دیگر حاضر به عقب‌نشینی و کوتاه‌آمدن نیستیم.

❧ و چنین رویکردی در حال حاضر شدنی است؟ شرایط امروز دیگر با وضعیت پیش از ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ یکسان نیست؛ دوره‌ای



❧ مسئله دیگری که وجود دارد، همان اجماع جهانی است که به آن اشاره کردید. فارغ از مباحثی که تاکنون مطرح شد، پرسش مهم‌تر این است که آیا چین و روسیه با ارجاع مجدد پرونده ایران به شورای امنیت، حاضر به پرداخت هزینه و استفاده از حق ووتی خود خواهند بود؟ با توجه به تحولات پس از جنگ اوکراین و همچنین برنامه‌های آمریکا در قبال چین، آیا می‌توان از هم‌اکنون پیش‌بینی کرد چین و روسیه در شورای امنیت در برابر اقدامات علیه ایران از ووتو استفاده کنند؟ ارزیابی شما از این وضعیت چیست؟

به نظر من، در هر صورت، هر اندازه هم که یک بازیگر قدرتمند باشد، در نهایت در نظام بین‌الملل مجموعه‌ای از هماهنگی‌ها، بازی‌ها و بده‌بستان‌ها میان قدرت‌های بزرگ صورت می‌گیرد و ما نیز معمولاً پس از شکل‌گیری این ترتیبات، در جریان نتایج آن قرار می‌گیریم. در این میان، چین و روسیه

با توجه به اقداماتی که ترامپ از زمان روی کار آمدن، به‌ویژه در دوره دوم ریاست‌جمهوری خود انجام داده، در موقعیت ویژه‌ای قرار گرفته‌اند. ترامپ بحث جنگ تجاری را مطرح کرد، در قبال تایوان رویکردی تنش‌زا در پیش گرفت و از سوی دیگر، نحوه مواجهه او با مسئله اوکراین، چین و روسیه را در وضعیتی بسیار پیچیده، بحرانی و تا حدی آسیب‌پذیر قرار داده است. این «دوره گذار» به‌تدریج با نشانه‌هایی از تضعیف هژمونی آمریکا همراه شد؛

هم از منظر اقتصادی و هم از منظر نظامی و در نهایت، برتری نظامی آمریکا نیز بیش از گذشته با چالش مواجه شد. همین وضعیت موجب شده است ترامپ و حتی واقع‌گرایان تهاجمی بر این باور باشند که باید در برابر قدرت‌یابی روسیه، چین و برخی دیگر از قدرت‌های اقتصادی ایستادگی کرد. اگر بخواهیم تحولات کنونی جهان را از این منظر تحلیل کنیم، به نظر می‌رسد آمریکا درصدد حفظ و تثبیت هژمونی خود در نظام بین‌الملل است. در مقابل، چین می‌کوشد هژمونی اقتصادی آمریکا را به چالش بکشد؛ روسیه در پی به‌چالش‌کشیدن هژمونی نظامی آمریکاست و برخی دیگر از بازیگران نیز تلاش می‌کنند برتری آمریکا را در حوزه فناوری به چالش بکشند.

بنابراین، آنچه در سطح جهانی شاهد آن هستیم، تا حد زیادی رقابت میان قدرت‌های مختلف برای تحدید، حفظ یا بازتعریف ابعاد گوناگون هژمونی آمریکاست.

❧ در چنین وضعیتی که آمریکا به دنبال حفظ برتری خود از طریق قواعد بین‌الملل است، چین و روسیه با مسئله ایران چگونه برخورد می‌کنند؟ به بیان ساده‌تر باید منتظر بازی مسکو و پکن در شورای امنیت برای تهران باشیم؟ یعنی گران‌فروشی دیپلماتیک چینی‌ها و روس‌ها دوباره شروع می‌شود؟

من هم بر این باورم که چین و روسیه در روزها و ماه‌های آینده احتمالاً یک بازی دوگانه را در قبال پرونده ایران دنبال خواهند کرد. لزوماً برای مقابله با هرگونه قطع‌نامه یا تحریم، نیازی به ووتی هم‌زمان هر دو کشور در شورای امنیت وجود ندارد. با این حال، به نظر می‌رسد هماهنگی میان پکن و مسکو ادامه خواهد یافت و این بازی دوگانه می‌تواند در قالب رای‌ممتنع از یک سو و رای مخالف از سوی دیگر دنبال شود. به عبارت دیگر، چین و روسیه احتمالاً ضمن حفظ هماهنگی راهبردی خود، تلاش خواهند کرد موضعی اتخاذ کنند که هم مانع از شکل‌گیری اجماع علیه ایران شود و هم هزینه‌های مستقیم تقابل با آمریکا و غرب را برای خود به حداقل برساند.

❧ بازیگر محوری، چین است یا روسیه؟

من فکر می‌کنم در بحث ووتو، مسئولیت اصلی احتمالاً بر عهده روسیه خواهد بود؛ به‌ویژه با توجه به شرایطی که این کشور در مواجهه با جنگ اوکراین دارد. در مقابل، احتمالاً شاهد رای متعصب بین خواهی‌بود.

❧ چین در تقسیم‌نقش با روسیه، در قبال ایران چه می‌کند؟

چین تلاش خواهد کرد در روزها و ماه‌های آینده، همچنان بازار ایران را تا حد امکان تأمین کند؛ چه در حوزه‌های نظامی و چه غیرنظامی و اقتصادی. در نظر می‌رسد حمایت چین از ایران، بیش از آن اقدام را دنبال‌کننده باشد که به سمت کاهش رسیده‌اند که در قالب استمرار حمایت‌های اقتصادی، تجاری و در صورت امکان نظامی دنبال خواهد شد. در سوی دیگر، روسیه احتمالاً در نشست‌های شورای امنیت موضعی صریح‌تر و تندتر اتخاذ خواهد کرد. انتظار می‌رود نماینده روسیه با لحنی انتقادی، در برابر آمریکا و روند ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت موضع بگیرد و این اقدام را مورد اعتراض قرار دهد. چین نیز احتمالاً از زاویه‌ای متفاوت وارد خواهد شد و بر ضرورت احترام بیشتر آمریکا به نظام بین‌الملل و قواعد و سازوکارهای بین‌المللی تأکید خواهد کرد؛ بنابراین اگرچه مواضع پکن و مسکو در کلیت امر می‌تواند محسو باشد، شیوه بیان و سطح تقابل آنها احتمالاً متفاوت خواهد بود.

❧ حالا که تروینکای اروپایی در کنار آمریکا پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع داده‌اند، انتظار می‌رود در این نهاد چه رویکردی برنامه‌ای را دنبال کنند؟ به‌طور مشخص، آیا می‌توان گفت اهداف و ملاحظات تروینکای اروپایی و دیگر کشورهای اروپایی در قبال ایران با اهداف آمریکا یکسان است یا میان آنها در نوع مواجهه با پرونده ایران و نحوه ادامه این روند، تفاوت‌های اساسی وجود دارد؟

پرسش مهمی است و به نظر من، پاسخ آن منفی است؛ لزوماً اهداف تروینکای اروپایی و آمریکا یکسان نیست. اگرچه این کشورها در مقطع کنونی در ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت با یکدیگر همراه شده‌اند، اما این همراهی الزاماً به معنای یکسان‌بودن اهداف، محاسبات و ملاحظات راهبردی آنها نیست. در این میان، اروپایی‌ها تلاش کرده‌اند آمریکا را به سمت کاهش تنش سوق دهند.

تنش سوق دهند.

تنش سوق دهند.